



روز بسیج مستضعفان

«مفهوم بسیج در سابقه تاریخی و مبانی دینی و اعتقادی و آموزه‌های دین مقدس اسلام ریشه دارد. نگاهی اجمالی به تاریخ ایران و اسلام نشان می‌دهد که هرگاه کارهای بزرگی در پیش بوده است، مردم، منبعث از نگاه دینی و اعتقادی و فرهنگ ملی خود، در حرکتی عمومی و مردمی با آن همراه شده‌اند. این مصدق و مفهومی مثل بسیج در مردمی بودن آن است. ما تبلور عینی و رسمی بسیج را در دوران دفاع مقدس شاهد بودیم و خوشبختانه از آن زمان تاکنون هم این مفهوم، بهخصوص در شکل غیررسمی آن، به عنوان اراده‌های ملی و مبتنی بر اعتقادات و ارزش‌های دینی و مذهبی تداوم پیدا کرده است و باز هم در همه بحران‌ها و حوادث غیرمتربقه، دفاع غیرعامل و صحنه‌های اجتماعی و سازندگی خود را نشان می‌دهد. تشکلی که بعد از انقلاب و در جنگ به عنوان هایی مثل جهاد سازندگی ادامه پیدا کرد، جایگاه ویژه‌ای دارد، چون منشأ اثرات و خیرات فراوانی بوده است و بعد هم با عنوان هایی مثل امامت پیدا کرد و توانست در سازندگی کشور بعد از جنگ مؤثر و نقش آفرین باشد. مفهوم بسیج، پس از فرمان تشکیل آن در ۵ آذر ۱۳۵۸ از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان واژه‌ای کلیدی، جایگاه خاصی در ادبیات عامه و بهخصوص ادبیات و واژه‌های دفاع مقدس پیدا کرد، مفهومی که آوازه تشکیل آن در جهان پیچید.»*

* بخشی از سخنان دکتر بهرام محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ویژه‌نامه «سیم بیشت»، شماره ۳ شهریور ۹۴، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

رحلت رسول اکرم(ص) / شهادت امام حسن مجتبی(ع)

«بعد از شهادت امیر المؤمنان علی بن ابی طالب(ع) جمعی از شیعیان آن حضرت به محضر امام حسن(ع) رسیدند و عرض کردند: شبهیه کرامات پدرت را به منشان بده. حضرت فرمود: اگر من چنین کراماتی نشان دهم، ایمان می‌اورید؟ آن جمعیت عرض کردند: بلی، سوگند به خدا! [به امامت تو] ایمان می‌آوریم. حضرت پرسید: آیا شما پدرم را می‌شناسید؟ همگی جواب دادند: بلی، می‌شناسیم. آن گاه حضرت پرده‌ای را کنار زدند و فرمودند: اینک پدرم را تماشا کنید. ناگاه چشمان آن گروه به وجود مبارک امیر المؤمنان علی(ع) افتاد و دیدند که در گوشش‌ای نشسته است. حضرت فرمود: آیا او را می‌شناسید؟ همگی گفتند: تصدیق می‌کنیم که این امیر المؤمنین است و ما شهادت می‌دهیم که واقعاً تو ولی خدایی و امام پس از او (علی) می‌باشی. ما تصدیق می‌کنیم که تو وجود علی(ع) را پس از شهادت به ما نشان دادی؛ همچنان که علی(ع) وجود مبارک رسول خدا(ص) را پس از رحلتش در مسجد قبا نشان داد. امام حسن(ع) فرمود: وای بر شمای! مگر فرمایش پروردگار عالم را در قرآن نشنیده‌اید که می‌فرماید: «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقْتَلُ فِي سَبِيلِ اِيمَانِهِ اَنْ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءً وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». به افرادی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید، بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما در کنیت نمی‌کنید.»^۱

۱. بقیه، آیه ۱۵۴.

۲. برگرفته از کتاب آفتاب کرامت (پرتوی از زندگی‌نامه و سیره امام حسن مجتبی(ع)), منادی تربیت، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

شهادت امام رضا(ع)

در طول زندگی امام رضا(ع)، ماجراهای سیاسی مختلفی روی داد. یکی از آن‌ها ولایت‌عهدی مأمون بود. در آن زمان که فعالیت شیعیان بیشتر شده و علاقومندان به امام(ع) رو به فزونی گذارده بودند، مأمون برای جلب نظر علیان امام را مجبور به قبیل ولیعهدی و جانشینی خود کرد. آن حضرت برای اینکه به همگان ثابت کند که از این امر رضایت ندارد، چند شرط را در ولیعهدی خود قرار داد. از جمله اینکه در هیچ کار مملکتی و امر و نهی‌ها و عزل‌ها و نصب‌ها دخالت نکند. امام با این کار عدم مشروعتی حکومت مأمون را به همگان ثابت می‌کرد. امام در طول عمر پر برگت ۵۵ ساله خود از هر فرصتی برای بیداری مردم و توجه آن‌ها به مسائل دین استفاده می‌کرد. هر روز مردم علاقومندی و احترام بیشتری به امام(ع) می‌گذاشتند و مأمون از این امر احسان خطر می‌کرد. از طرفی عباسیان او را تحت فشار قرار می‌دادند که چرا امام رضا(ع) را به ولیعهدی انتخاب کرده است. سرانجام مأمون تصمیم به شهید کردن امام(ع) گرفت و در آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری، تصمیم خود را عملی کرد. امروز سرزمین خراسان بارگاه و آستان مقدسی را در خود دارد که مردم ایران به آن فخر می‌کنند. روزی مردی خراسانی به امام(ع) گفت: ای فرزند رسول خدا! در خواب پیامبر را دیدم که فرمود: چگونه است حال شما زمانی که پاره تن من در شهر شما دفن است. امام فرمود: من همان کسی هستم که در سرزمین شما مدفون می‌گردم. هر کس مرا زیارت کند در حالی که به حق من و وجوب اطاعت از من آگاه باشد من و اجدادم شفیع او خواهیم بود.

روز دانشجو

شهید چمران:

«واقعی آن روز چنان در نظرم مجسم است که گویی همه را به چشم می بینم. صدای رگبار مسلسل در گوشم طنین می اندازد. سکوت موحش بعد از رگبار بدنم را می لرزاند، آه بلند و ناله جانگذار مجروهین را در میان

این سکوت دردناک می شنوم. داشکده فنی خون آلود را در آن روز و روزهای بعد به رأی العین می بینم.

... نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران می آمد تا نتیجه بیست و یک میلیون دلار خرچ کودتا را ببیند.»*

از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی قبل از انقلاب، اعتراض دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۴۴، به ورود معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران بود و نقطه اوج حرکت سیاسی دانشجویان را می‌توان در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ۱۲ آبان ۱۳۵۸ مشاهده کرد. این حرکت انقلابی نشانه طرد تفکر لیبرالی و مارکسیستی در دانشگاه‌های کشور و غلبه گسترش اسلام‌خواهی بود.

* روزنامه کیهان، ۱۶ آذر ۱۳۷۶، ص ۱۰.

شهادت امام حسن عسکری(ع)

امام زمان(عج)، لباس جعفر کذاب را کشید و او را از کنار پدرش دور کرد. بر پدرش نماز خواند و مردم نیز با ایشان نماز خواندند. جعفر، نگران و حیرت زده، از تکلم ایستاد. معتمد عباسی امام حسن عسکری(ع) را در روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰، در سن ۲۸ سالگی به شهادت رساند. و چه از صدق فرمود امام صادق(ع): «به خدا سوگند هیچ کدام از ما نیست جز اینکه شهید می‌شود و خدا به این حقیقت داناتر است.»*

نماز و عبادت امام عسکری(ع) به صورتی بود که حتی کسانی که نماز خوان نبودند با دیدن آن اهل عبادت می‌شدند. ایشان نماز اول وقت را بر هر امری ترجیح می‌دادند. ماجراهی زندان‌بان سختگیری که بر آن حضرت نهادند و بعد از گذشت زمان مرید وی شد را همه شنیده‌اند. امام(ع) بسیاری از زمان عمر پربرکت خود را همچنان که از لقب ایشان - عسکری - مشخص است در زندان به سر بردا. اما جذبه و قدرت نفوذ ایشان، انسان‌های بی‌شماری را عاشق سلوک و معنویت او و اجداد او کرد.

* شیخ صدوق، کمال الدین، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص ۱۵۱.

ولادت حضرت رسول اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)

آخرین رسول

«تامش محمد است و احمد و محمود القاب اوست. اصحابش اغلب او را رسول... می‌نامند. آنان مردمانی فقیر و تهی دست و بردگانی هستند که سال‌ها نازیانه ظلم اربابان ممکن خود را خوردند. البته از بین سران طوایف عرب نیز هستند کسانی که با او بیعت کرده‌اند. تعداد اندکی از پیروانش با او به شهر یثرب (مدينه) مهاجرت کرده‌اند. نام مادرش نیز مادرش را نیز از دست می‌دهد. عبدالملک، بزرگ قبیله قريش و کلیدار کعبه که پدر بزرگ اوست و سرپرستی اش را به عهده می‌گیرد...» آنچه که آمد عبارت‌هایی است از رمانی براساس داستان زندگی پیامبر اسلام(ص) نوشته ابراهیم حسن‌بیگی، که توسط انتشارات مدرسه برهان به چاپ رسیده است. هر چند شرح زندگی پیامبر اسلام(ص) را هر مسلمانی می‌داند اما خواندن این رمان جلوه‌های تازه از زندگی ایشان را پیش چشم ما آشکار خواهد کرد.

ششمین خورشید

در سال ۸۳ پس از هجرت، در شیی که مسلمانان سالگرد ولادت پیامبر اکرم(ص) را جشن گرفته بودند، در خانه امام محمد باقر(ع) فرزندی چشم به جهان گشود که به امر خدا، ششمین پیشوای شیعیان جهان شد. در دوران زندگی آن امام، بحث‌های علمی و کلامی به اوج رسیده بود و نظرات و آراء گوناگون عقیدتی در میان مسلمانان مطرح می‌شد. امام (ع) عالم‌ترین مردم زمان بود و آنچه که از علوم در سال‌های قبل پنهان بود، با علم و درایت ایشان آشکار شد. آن حضرت در طول زندگی پر برکت خود، علوم مختلف و معارف اهل بیت را بیان می‌کرد و در زمانی که حج برگزار می‌شد و ایشان از مدینه به مکه می‌رفت، گروه‌هایی مختلف برای کسب دانش نزد آن حضرت می‌آمدند. بزرگانی از اهل سنت چون مالک بن انس، سفیان ثوری، ابوحنیفه... نیز از دانش ایشان بهره می‌برندند. در فضای اخلاقی امام ششم نیز سخنان بی‌شماری نقل شده است. یکی از اصحاب امام باقر(ع) نقل می‌کند که: «من در خدمت امام محمد باقر بودم که فرزندش جعفر(ع) وارد شد. امام درباره‌اش فرمود: او بهترین مخلوقات خداوند است.»*

* بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۳